

تذكرة الوفا - جناب آقا میرزا مهدی

کاشانی

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



جناب آقا میرزا مهدی کاشانی - تذكرة الوفاء - اثر حضرت

عبدالبهاء

جناب آقا

میرزا مهدی کاشانی

﴿ هو الله ﴾

و از جمله مهاجرین و مجاورین جناب آقا میرزا مهدی کاشانی است * این شخص محترم از اهل کاشان بود و در بدایت عمر تحصیل علوم و فنون از پدر مرحوم مینمود تا آنکه در شعر و انشاء و خط شکسته مهارت تام یافت و در بین اقران ممتاز و از جوانان دیگر مستثنا بود * در سن طفولیت از ظهور حضرت احدیت خبر گرفت و بنار محبت الله بر افروخت و از خریداران یوسف حقیقی شد سر حلقه طالبان گردید و در دائره عاشقان در آمد لسان تبلیغ گشود و در اثبات ظهور به بیان بلیغ پرداخت * بعضی



ORIGINAL

را بشاهراه هدایت دلالت کرد و در کاشان بعشق الهی رسوای جهان شد مورد ملامت بیگانه و آشنا گردید و معرض شماتت هر یار بیوفا شد * یکی گفت این سر گشته و سودائست دیگری گفت این بخت بر گشته و رسوائی جفا کاران زبان طعن گشودند و ستمکاران رحم نمودند * چون عرصه تنگ شد و اشرار بستیزه و جنگ برخاستند جناب مذکور ترک وطن مألوف کرد و بمرکز اشراق خطهء عراق شتافت و بحضور دلبر آفاق رسید چندی بمصاحبت یاران پرداخت و بحامد و نعوت آهنگ خوشی مینواخت * بعد از مدتی مأذون برجوع کاشان گشت و ایامی در وطن خویش بسر برد دو باره شور به سر آمد طاق فراق نماند مراجعت بعراق کرد و همشیره خویش امة الله المحترمه حرم ثالث را ببغداد آورد * در بغداد در ظلّ عنایت بسر میبرد تا آنکه موکب مبارک از عراق بسمت قسطنطنیه حرکت نمود * در بغداد بحافظه بیت مأمور شد و از آتش فراق در احتراق بود دمی آرام نداشت و نفسی آسایش و راحت نمود تا آنکه احباً از عراق بموصل نفی و تبعید شدند از جمله اسیران بود و از زمره مظلومان بنهایت تعب و مشقت بموصل رسید و در حدباء اسیر محنت و بلا بود * اکثر اوقات ضعیف و علیل بود و در منفی در نهایت فقر و فنا با وجود این صبور و شکور بود و حمل و وقور تا آنکه طاق طاق شد و تحمل فراق نماند اذن حضور خواست مأذوناً مأجوراً بسجن اعظم شتافت * از شدت صدمات راه و شدت محنت و مشقت با جسمی ضعیف و نحیف و ناتوان بزندان عکا واصل گشت ایامی بود که جمال مبارک در داخل قلعه در وسط قشله محبوس و مسجون بودند *

باری، جناب مذکور با تعب موفور ایامی بوجد و سرور گذراند بلا را عطا یافت و زحمت را رحمت دانست و نعمت را نعمت شمرد زیرا در سبیل الهی بود و ابتغاء رضاء ربّانی ایام را میگذراند تا آنکه مرض شدت یافت و روز بروز جسم بر انحلال افزود و در پناه عنایت بجوار رحمت کبری طیران نمود * این ذات مکرم بین خلق محترم بود ولی در سبیل محبت الله بی نام و نشان گشت و انواع بلا یا و رزایا تحمل نمود و هیچ وقت شکوه نمود راضی بقضا بود و راه تسلیم و رضا می پیود مشمول نظر عنایت بود و در درگاه کبریاء مقرب لهذا از بدایت حیات تا نهایت بر حالت واحده مستغرق بحر رضا بود و ربّ ادراکنی ادراکنی میگفت تا آنکه بجهان پنهان صعود نمود * عطر الله مشامه بنفحات القدس فی الفردوس الاعلی و سقاه شراباً طهوراً فی كأس کان مزاجها کافوراً و علیه التّحیة و الثّناء * رمس معطرش در عکاست *